

رویکرد واقع‌گرایانه چرچلند در حل مسئله گزاره‌گرایی و نقد آن

سید مجتبی حسینی*

مجید داوود بنی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

DOI: 10.22096/ek.2020.49267.1022

چکیده

از رویکردهای مربوط به تحلیل نظریه‌های علمی، می‌توان به رویکردهای پوزیتیویستی و مدل-نظریه‌ای اشاره کرد. هرکدام از این رویکردها اشکال‌هایی دارند و در تحلیل دیدگاه‌های علمی ناتوان به نظر می‌رسند. رویکرد مدل-نظریه‌ای که مطلوب و ن فراسن نیز است، چندان خوشایند واقع‌گرایان نیست و چرچلند به‌عنوان یک واقع‌گرای علمی، می‌کوشد تعبیری واقع‌گرایانه برای تحلیل دیدگاه‌های علمی پیشنهاد کند. وی دستاوردهای علوم شناختی را به‌کاربرده و مدل پیوندگرایانه را به‌عنوان جایگزین رویکردهای گزاره‌ای و مدل-نظریه‌ای ارائه می‌کند. پیشنهاد وی دارای مشکلی بنیادین است؛ چراکه به‌صرف مدل کردن ساختار نظریه‌های علمی در چهارچوب مدل‌های پیوندگرایانه، نمی‌توان درباره رابطه میان بازنمایی علم در شبکه‌های عصبی و واقعیت جهان خارج ادعایی کرد. درحالی‌که چرچلند این رابطه را فرضی انگاشته و برای آن استدلالی ارائه نمی‌کند. در این نوشتار، می‌کوشیم اساس رویکرد چرچلند و پیشینه آن را بیان کرده و سپس این کاستی را از میان برداشته و رویکرد شناختی را به‌منزله

— دانشجوی دکتری فلسفه علم و تکنولوژی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. «نویسنده مسئول»
Email: sm.h@aut.ac.ir

— استادیار گروه فلسفه و علم، دانشکده مدیریت، علم و فناوری، دانشگاه امیرکبیر، تهران، ایران.
Email: m.davoody@aut.ac.ir



امتدادی برای واقع‌گرایی بشناسانیم.

واژگان کلیدی: گزاره‌گرایی؛ پیوندگرایی؛ فلسفه علم؛ فلسفه ذهن؛ علوم شناختی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی